

گزارش پستی

مرکز مطالعات و پژوهش‌های
سلامت اداری و مبارزه با فساد

۱۱۲

گسست میان قانون و عمل
در عرصه
حکمرانی عمومی





سال یازدهم، شماره ۱۱۲، شهریور ۱۳۹۷

مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

نام گزارش: گسست میان قانون و عمل در عرصه حکمرانی عمومی

مترجم: آمنه کاشانی موحد

شمارگان: ۳۰۰

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: شهریور ۱۳۹۷

مطالب مندرج در این گزارش نشانگر دیدگاه نویسندگان آن است و لزوماً نمایانگر دیدگاه

سازمان بازرسی کل کشور نیست.

کلیه حقوق مربوط به این گزارش به سازمان بازرسی کل کشور تعلق دارد و هرگونه انتشار

مطالب آن بدون کسب اجازه از سازمان، غیرمجاز است.

فهرست مطالب

۷	 اشاره
۹	 مقدمه
۱۰	 تعریف و اندازه‌گیری شکاف اجرایی
۱۰	 معنای شکاف اجرایی
۱۳	 شکاف اجرایی چگونه اندازه‌گیری می‌شود؟
۱۵	 منابع شکاف اجرایی
۱۶	 الف) مؤلفه‌های سیاسی
۱۸	 ب) مؤلفه‌های اقتصادی
۲۰	 ج) مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی
۲۳	 نهادها و انگیزه‌ها، مهم هستند
۲۴	 غلبه بر شکاف اجرایی
۲۴	 ذی‌نفعان کلیدی و نقش‌های آن‌ها
۲۵	 ۱) دولت
۲۵	 سناریوهای احتمالی
۳۴	 ۲) بخش خصوصی
۳۵	 سناریوهای احتمالی
۴۲	 ۳) جامعه مدنی
۴۲	 سناریوهای احتمالی
۵۰	 جمع‌بندی: مزایای پرکردن شکاف اجرایی

اشاره

پدیده گسست میان قانون و عمل که اصطلاحاً **شکاف اجرایی**^۱ نامیده می‌شود، درحقیقت تفاوت میان راه‌حل‌های قانونی و اجرای عملی آن و یکی از موضوعات قابل ملاحظه در حوزه حقوقی و سیاسی است که عدم توجه به آن می‌تواند به تضعیف اعتبار مقام قانون‌گذار، متروک ماندن قوانین، نارضایتی شهروندی و در نهایت تضعیف پایه‌های حکمرانی عمومی در جامعه منجر شود.

مرکز تجارت خصوصی بین‌المللی^۲ CIPE و سازمان درستکاری جهانی^۳، تجارب موافقی را درباره بررسی پدیده شکاف اجرایی میان قانون و عمل و تأثیرگذاری آن بر حکمرانی عمومی اندوخته کرده‌اند. نزدیک به ۳۰ سال CIPE با اتاق‌های بازرگانی، انجمن‌های تجاری و سایر سازمان‌های بخش خصوصی در سراسر جهان، به‌منظور ارتقای حکمرانی دموکراتیک و اقتصادی کار کرده است و سازمان درستکاری جهانی نیز در پیگیری روندهای حکمرانی و فساد در سراسر جهان ازطریق گزارش‌های سالانه درستکاری جهانی تجربه چشمگیری دارد که گزارش حاضر ماحصل تلاش‌های این دو نهاد فعال در حوزه حکمرانی می‌باشد.

1 . Implementation Gap

2 . The Center for International Private Enterprise

3 . Global Integrity

این گزارش، راهنمایی ضروری برای ایجاد حکمرانی خوب^۱ برای مؤسسات را فراهم آورده و به خوبی به معرفی سازوکارهای ضدفساد در کشورهای جهان پرداخته است. از آنجایی که موضوع شکاف اجرایی میان قانون و عمل، ارتباط مستقیمی با وظایف و مأموریت‌های سازمان بازرسی کل کشور داشته و پایش نحوه اجرای صحیح قوانین توسط سازمان، احتمال بروز شکاف اجرایی در این زمینه را کم خواهد کرد، این گزارش می‌تواند ضمن معطوف نمودن توجه بازرسان به مسئله بروز شکاف اجرایی و تأثیر آن بر حکمرانی عمومی، درخصوص منابع شکاف اجرایی، ذی‌نفعان کلیدی و راه‌های غلبه بر آن اطلاعات مفیدی را در اختیار همکاران و فعالان حوزه مبارزه با فساد قرار دهد.

مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

مقدمه^۱

قوانین استوار مبنای کلیدی حکمرانی دموکراتیک و توسعه اقتصادی در تمامی کشورها هستند. با این وجود، تدوین چنین قوانینی تنها نیمی از معما را تشکیل می‌دهد. نیمه چالش برانگیز دیگر، تضمینی برای این است که چارچوب حقوقی به درستی وارد مرحله اجرا شده باشد.

در اغلب موارد، عمل تصویب یک چارچوب حقوقی، به‌خودی‌خود به‌عنوان یک هدف در نظر گرفته می‌شود زیرا فرض بر این است که قوانین، اجرا و خدمات ارائه می‌شوند. این حقیقت در اغلب موارد نیز وجود دارد که حکمرانی بیش از خود تصویب قوانین، نادیده گرفته می‌شود و بیشتر اوقات، شهروندان، صاحبان کسب و کار و جامعه مدنی شاهد بیان تفکر آرمانی در دل راه‌حل‌های بیان‌شده قانونی هستند که در عمل به شکست می‌انجامد، آن هم به این دلیل که انگیزه‌های اجرا، با آن‌ها همسو نشده است. این پدیده که از آن به شکاف اجرایی یاد می‌شود، تفاوت میان راه‌حل‌هایی که در اسناد قانونی اتخاذ شده و اجرای واقعی آن‌ها در عمل است. این پدیده [شکاف اجرایی] کشورهای سراسر کره زمین و اعمال قوانین گذشته در تمام سطوح دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در سطح محلی، شهروندان اغلب تأثیرات شکاف اجرایی را با ناراحتی بیشتری احساس می‌کنند، زیرا مستقیماً معیشت آن‌ها را از میان می‌برد. زمانی که مقررات موجود در لایه‌های صفحات کتاب‌ها، اجرا نمی‌شود و زمانی که مقررات اقتصادی مهم اجرا نشده باقی می‌ماند، اعتبار مقامات محلی دستخوش سایش می‌شود، خطر فساد افزایش می‌یابد و فضای مساعد برای کسب و کارهای کوچک و کارآفرینی ابهام‌آمیز باقی می‌ماند.

۱. این گزارش ترجمه و خلاصه‌ای از کتاب زیر می‌باشد:

دست‌آخر، راه چاره برای حل شکاف‌های اجرایی، پیشگیری از وقوع آن با بنای چارچوب‌های حقوقی و تنظیمی است که شامل سازوکارهایی برای تحلیل هزینه-فایده قوانین پیشنهادی، از خلال هماهنگ‌سازی قوانین مختلف برای کمک به اجرا می‌گردد. این راه‌حل همچنین در تقویت ستون‌های کلیدی درستکاری در حکمرانی برای ایجاد یک نظام، آن‌هم در جایی که ساختار مشوق برای مقامات دولتی و دیگر بازیگران اجتماعی به گونه‌ای است که گویی قوانین از ابتدا ساخته شده‌اند و اراده سیاسی، ظرفیت دولتی و حمایت عمومی برای اجرای آن‌ها وجود دارد، راه‌حل اثربخشی محسوب می‌شود.

پرکردن شکاف اجرایی در هر کشوری، نیازمند ارائه راه‌حل‌های متفاوت خواهد بود و از این رهگذر، لازمست تا موقعیت خاص آن کشور برای مؤثر بودن در نظر گرفته شود. هدف گزارش حاضر، ارائه این موضوع است که چرا شکاف اجرایی به وجود می‌آید. همچنین عرضه برخی سناریوها و پیشنهاد زمینه‌ها و رهیافت‌های احتمالی و همچنین توصیف برای سه ذی‌نفع اصلی و موردنیاز برای حل این مشکل یعنی دولت‌ها، بخش خصوصی و جامعه مدنی در این گزارش مورد توجه قرار می‌گیرد.

تعریف و اندازه‌گیری شکاف اجرایی

معنای شکاف اجرایی

شکاف اجرایی به زبانی ساده، تفاوت میان قوانین موجود در کتاب‌ها و چگونگی اجرای آن در عمل است. این موضوع می‌تواند قوانین و مقررات در حوزه‌های مختلف زندگی، از ارائه خدمات تا فضای کسب و کار را تحت تأثیر قرار دهد. هرچند که درنهایت، ضعف اجرای قوانین و مقررات در اغلب موارد به بروز شکاف‌های اجرایی ماندگار در حوزه‌های کلیدی حکمرانی مانند پاسخگویی دولت، شفافیت و نظارت شهروندی منجر می‌شود. بررسی شکاف‌های اجرایی در این حوزه‌ها، فراشاخص‌های مفیدی را تولید می‌کند که

به نوبه خود، اطلاعات زیادی را درباره پتانسیل شکاف‌های اجرایی در حوزه‌های دیگر ارائه می‌نماید.

این دقیقاً همان چیزی است که سازمان درستکاری جهانی به منظور برجسته‌سازی اهمیت بهبود کیفیت چارچوب‌های قانونی در قانون و عمل برای کاهش شکاف اجرایی اندازه‌گیری می‌کند.

تا همین اواخر، شکاف اجرایی، اغلب اصطلاحی به‌شمار می‌رفت که در چندین بخش خاص به‌عنوان مثال در انتقال ناقص نوآوری‌ها در مراقبت‌های بهداشتی به مردم در کشورهای در حال توسعه به‌کاربرده می‌شد. به‌هرحال اجرا، یک جنبه کلیدی از سیاست‌گذاری است و اهمیت آن به‌طور مستقیم، آشکار است. اگر دولت ایده‌ای شفاف از آنچه نیاز است انجام شود را دارد، اما سازمان مسئول اجرای قانون، اراده و ظرفیت این کار را ندارد، کار زیادی صورت نخواهد پذیرفت. فاصله دو حوزه میان انگیزه دولت در پس تصویب یک قانون و اینکه چگونه این قصد به واقعیت تبدیل می‌شود، اثر سیاست را تعیین می‌کند.^۱ این شکافِ نوعاً دیوانی بین تصویب سیاست و نتیجه سیاست منجر به یک شکاف اجرایی می‌شود و حاصل، آنکه سیاست تنها روی کاغذ باقی می‌ماند یا به‌صورت ضعیف اجرا می‌گردد. از زمان معرفی گزارش سازمان درستکاری جهانی^۲، این مفهوم برای تشریح اختلاف میان قانون و عمل از منظر شاخص‌های

1. Kevin B. Smith and Christopher W. Larimer, "How Does It Work? Policy Implementation," The Public Policy Theory Primer, Philadelphia, PA: Westview Press, 2009, pp. 155-156.

۲. گزارش سازمان درستکاری جهانی توسط محققان محلی، روزنامه نگاران و دانشگاہیان با استفاده از فرایند بررسی دقیق دو مرحله‌ای فراهم شده است. بیش از هزار شرکت‌کننده محلی در آماده کردن این گزارش از سال ۲۰۰۴ مشارکت دارند. دیدگاه نزدیک به یک میلیون کلمه از متن و ده هزار نکته‌های داده‌ای از گزارش‌های هر سال، به شکل دادن اصلاحات سیاستی مبتنی بر شواهد که می‌تواند به ارتقای دولت باز و پاسخگو کمک کند صورت گرفته است. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

<http://www.globalintegrity.org/report>

فراوان ارزیابی کیفیت سازوکارهای ضدفساد و پاسخگویی در کشورهای سراسر جهان در هر دو سطح ملی و محلی به علاوه در بخش های گوناگون مورد استفاده بوده است. در سال ۲۰۰۷، سازمان درستکاری جهانی شروع به انتشار ارزیابی های شکاف اجرایی برای تمام کشورهای مورد بررسی، نمود. گزارش سازمان درستکاری جهانی قوانین مربوط به حکمرانی خوب و قوانین ضدفساد و همچنین پیاده سازی و اجرای عملی آنها را مورد ارزیابی قرار می دهد. همچنین نگاه دقیق تری به این مسئله دارد که آیا شهروندان می توانند به شکلی اثربخش به حمایت های ضدفساد دسترسی پیدا کرده و از آن استفاده نمایند. در این زمینه، شکاف اجرایی به تفاوت میان چارچوب حقوقی کشورها در زمینه حکمرانی خوب و ضدفساد و پیاده سازی و اجرای واقعی همان چارچوب حقوقی اشاره دارد. این ثبت لحظه ای وضعیت ستون های اساسی درستکاری در هر کشور یا منطقه مورد بررسی، به نوبه خود نگرشی ارزشمند را درمورد اینکه چرا شکاف های اجرایی ماندگار در دیگر حوزه های قانون گذار و تنظیمی وجود دارد، ارائه می کند. یافته ها عموماً به صورت شگفت آوری یکسان هستند. در کشورهایی که نیاز واقعی آنها اصلاحات ساختاری است، مشکل اغلب در حوزه چارچوب حقوقی نیست بلکه مشکل اجرای قانون است. بسیاری از کشورها چارچوب هایی حقوقی دارند که در اصل باید آنها را برای انجام اصلاحات اجتماعی گسترده به تصویب برسانند و عملکرد روزانه دولت را برای شهروندان سودمند سازند. به هر حال بیشتر کشورها از شکاف اجرایی رنج می برند. قانون گذاری، زمانی که در اجرا با شکست مواجه شود کاری بیهوده است. چنین قانونی بدون اجرای مناسب، نمی تواند تأثیر واقعی خود را در زندگی مردمی که باید از قوانین خاص بهره مند شوند، داشته باشد.

مطالعات نشان می دهد شکاف های اجرایی در همه کشورها و در همه سطوح دولت رخ می دهد. گزارش سازمان درستکاری جهانی حکایت از آن دارد که این مورد در سطح ملی دولت در بیشتر کشورها دیده می شود. پروژه درستکاری شهری کنیا که به صورت مشترک به وسیله مرکز تجارت خصوصی بین المللی CIPE و سازمان درستکاری

جهانی هدایت شد و مطالعه درستکاری دولتی در سال ۲۰۱۱ (یک پروژه از سازمان درستکاری جهانی، مرکز درستکاری عمومی و رادیوی عمومی بین‌المللی در تمامی ۵۰ ایالت آمریکا)^۱ نشان می‌دهد که مشکلاتی مشابه در سطح محلی وجود دارد. همان نتایج می‌تواند در مورد مطالعات انجام‌شده به‌وسیله سازمان درستکاری جهانی در سطح بخش، برای نمونه در حوزه سلامت و آموزش و پرورش ترسیم شود.

با وجودی که شکاف اجرایی یک پدیده جهانی است، اما اثرات منفی آن به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که دارای حکمرانی ضعیف و اجرای قوانین ضعیف هستند قابل مشاهده و دردناک است و تأثیر فراوان آن بر زندگی روزمره شهروندان، به‌صورت امری عادی ظاهر می‌شود. در گذشته فعالیت‌های مربوط به اصلاحات داخلی و کمک‌کنندگان خارجی، اغلب بر تصویب قوانین خاص بدون توجه به اجرای آن‌ها متمرکز بود.

به هر حال، قوانین تنها زمانی معنادار هستند که اراده سیاسی، تقاضای مردمی و ظرفیت محلی برای اجرای آن‌ها وجود داشته باشد. در غیراین صورت هر قانون جدید، به جای حل مشکلاتی که اشاره شد، به شکاف اجرایی رو به رشد کمک می‌کند.

شکاف اجرایی چگونه اندازه‌گیری می‌شود؟

به منظور نشان دادن مؤثر مشکلات ناشی از وجود شکاف‌های اجرایی، ضروری است ابتدا روشن کنیم این شکاف‌ها چه هستند و اندازه آن‌ها چه مقدار است. اندازه‌گیری

۱. مرکز دولتی بررسی درستکاری تحلیلی بی‌سابقه و مبتنی بر داده از قوانین و اقدامات هر کشوری است که از فساد جلوگیری می‌کند و به ترویج پاسخگویی و بازبودن می‌پردازد. روزنامه نگاران با تجربه به هر دولت یا ایالتی که در خطر فساد است با استفاده از ۳۳۰ مقیاس خاص نمره دادند. این تحقیق همه ایالت‌ها را از یک تا ۵۰ رتبه‌بندی کردند. هر ایالتی یک کارت گزارش با درجه‌های حرفی در ۱۴ دسته شامل دارایی کمپین‌ها، قوانین اخلاقی، مقررات لابی‌گری و مدیریت صندوق‌های بازنشستگی دولتی می‌شود. اطلاعات بیشتر در:

شکاف اجرایی در رهیافت سازمان درستکاری جهانی که متمرکز بر ستون‌های کلیدی حکمرانی خوب و ضدفساد است، بر مبنای چند عنصر مهم است.

کارت امتیازی درستکاری

مؤلفه نخستین ارزیابی درستکاری جهانی کارت امتیاز درستکاری است که سه مفهوم زیر را بررسی می‌کند:

- وجود سازوکارهای درستکاری عمومی شامل قوانین و نهادهایی که پاسخگویی عمومی را ترویج و فساد را محدود می‌کنند؛
- اثربخشی این سازوکارها؛
- دسترسی شهروندان به این سازوکارها.

شاخص‌های درستکاری

هر کارت امتیاز درستکاری براساس تعدادی شاخص‌های به اصطلاح درستکاری به وجود آمده است. این شاخص‌ها، سؤالاتی هستند که از طریق آن‌ها، وجود، اثربخشی، ضرورت سازوکارهای درستکاری بررسی می‌شود. عدد و محتوای شاخص‌ها از یک مطالعه به مطالعه دیگر بسته به تمرکز خاص آن متفاوت است. هر شاخص درستکاری به وسیله محققان میدانی با ارجاعات مربوط، براساس تحقیقات کتابخانه‌ای (غیرمیدانی) و مصاحبه با کارشناسان (متخصصان) محلی و متعاقباً بررسی دقیق می‌شود. در اینجا، دو نوع شاخص درستکاری وجود دارد: «در قانون»^۱ و شاخص «در عمل»^۲. شاخص‌های «در قانون» یک ارزیابی عینی درمورد وجود یا عدم وجود برخی قوانین حقوقی، حقوق بنیادین، نهادهای دولتی و مقررات را فراهم می‌آورد. به این

1. "in law"

2. "in practice"

شاخص‌های قانونی با یک بله و خیر ساده نمره داده می‌شود که با بله نمره ۱۰۰ و با خیر نمره صفر به دست می‌آید.

شاخص‌های «در عمل» اجرای بالفعل، اثربخشی، پیاده‌سازی و دسترسی شهروندان را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه معمولاً شاخص‌های «در عمل» نیازمند ارزیابی دقیق‌تری است، نمرات بر روی مقیاس صفر تا ۱۰۰ با نمرات احتمالی صفر، ۲۵، ۵۰، ۷۵ و ۱۰۰ قرار می‌گیرند. تنها در چند مورد، شاخص‌های «در عمل» نمراتی با بله و خیر دریافت می‌کنند.

ارزیابی شکاف اجرایی

جمع شدن شاخص‌های «در قانون» و «در عمل» به ترتیب یک نمره چارچوب حقوقی و یک نمره اجرا برای موضوع معین مطالعه (کشور، ایالت، شهر، بخش‌های مختلف و سایر موارد) ایجاد می‌کند. مقایسه این دو، امکان اندازه‌گیری شکاف اجرایی را می‌دهد. نمره اجرا نمره‌ای است که از نمره قانونی برای محاسبه شکاف اجرایی کم می‌شود.

منابع شکاف اجرایی

درحالی‌که شکاف اجرایی خود را به شکلی واحد در کشورهای جهان به عنوان یک تفاوت میان قوانین هم در زمان طراحی فرایند و هم در زمان اجرای آن نشان می‌دهد، دلایل اینکه چرا چنین اتفاقی می‌افتد متفاوت است. دلیل نهایی برای شکاف اجرایی تجمیع چندین مؤلفه اساسی عمومی در سپهر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است.

الف) مؤلفه‌های سیاسی

دیوان‌سالاری دولتی

فقدان اجرای مناسب، دلیلی است که اغلب به ساختارهای دولتی و اداره عمومی گره می‌خورد. در بسیاری از کشورها دیوان‌سالاری در هر دو سطح ملی و محلی بیش از حد بزرگ شده است و غالباً با امتیازات غیرشفاف و همپوشان در هر دو صورت افقی (نهادهای موازی متفاوت) و عمودی (ملی در برابر محلی) همراه می‌باشد. کارکنان دولت بدون وجود یک طرح روشن از مسئولیت و پاسخگویی در میان نهادهای دولتی، با اختیارات بیش از اندازه در اجرای قانون براساس خواست و سلیقه خود رها می‌شوند یا آن را اصلاً اجرا نمی‌کنند. این مسئله به‌خصوص در سطح محلی در نظام‌های اداری متمرکز وجود دارد، زیرا سیاست از مرکز تحمیل می‌شود و ممکن است به نظر دیوان‌سالاران خط مقدم که موظف به اجرای آن‌ها هستند ناعادلانه، غیرشفاف، غیرعملیاتی باشد.^۱ به عبارت دیگر، سرشت و پیچیدگی ساختارهای حکمرانی دولتی است که غالباً شکاف اجرایی را توضیح می‌دهد.

مشروعیت قوانین^۲

قوانین چه در سطح ملی یا محلی محصول نظام قانون‌گذاری یک کشور هستند. زمانی که این نظام شفاف و پاسخگوست و زمانی که اجازه ورود معنادار ذی‌نفعان در چگونگی شکل‌دهی به قانون را می‌دهد، فرصتی به‌دست می‌آید که ضمن آن قوانینی که تصویب خواهند شد، نیازها و نگرانی‌های شهروندان را با ابعادی منطقی نشان می‌دهد. از سوی دیگر، وقتی تصمیمات در پشت درهای بسته و بدون مشورت عمومی گسترده اتخاذ می‌شود، احتمالاً قوانین فقط برای یک گروه کوچک خودی‌ها منفعت

1 . Michael Lipsky, Street-Level Bureaucracy, New York: Russell Sage Foundation, 1980.

2 . Legitimacy of the laws

دارد. بدین ترتیب عموم مردم آن‌ها را غیرمشروع و لذا غیرشایسته برای یاری رساندن خواهند دید.

هیچ نظام سیاسی‌ای کامل نیست و حتی در دموکراسی استقرار یافته، ممکن است قوانینی به تصویب برسد که استانداردهای تصمیم‌سازی شفاف و پاسخگو را نداشته باشد. با این حال با وجود یک نظام دموکراتیک دارای نظارت و تعادل، احتمال وجود آن به‌طور قابل توجهی کمتر از رژیم‌های اقتدارگرا می‌باشد.

کیفیت قوانین

گذشته از مشروعیت و ویژگی نمایندگی یک قانون که برای انطباق مهم هستند، کیفیت یک قانون، اغلب یک مسئله است. حتی یک قانون خوب زمانی که مقررات آن بیش از حد پیچیده، متناقض یا غیرشفاف باشد ممکن است از شکاف اجرایی آسیب ببیند و این به دو دلیل اتفاق می‌افتد: اول: ظرفیت قانون‌گذارانی که ایفای نقش می‌کنند. اگر قانون‌گذاران با موضوع آشنا نباشند و اگر کارکنانی آگاه برای کمک به درک مفاهیم قانونی و یا اشاره به نکات مسئله‌ساز آن نداشته باشند، به کیفیت قانون آسیب خواهد رسید. دوم: قوانین به‌ندرت ساخت‌هایی عقلانی و غیرسیاسی هستند. طراحی آن‌ها موضوع نفوذ گروه‌های ذی‌نفع خاصی است که ممکن است به دلیل وجود گریزگاهی عمومی یا عبارات مبهم که امکان تفسیر سست و کنار گذاشتن قانون را می‌دهد، فشارآور باشد.

موضوعات سیاسی متنوع

زمانی که قانونی تصویب می‌شود، توجه یا عدم توجه به آن از سوی گروه‌های ذی‌نفع جامعه مدنی و شهروندان در سطح وسیع، تعیین‌کننده‌ای کلیدی است که چگونه این قانون اجرا می‌شود. در سطح محلی این مسئله اغلب به معنای آن است که گروه‌های

دارای نفوذ در جایی که قانون اجرا می‌شود ممکن است اولویت‌ها و منافع متفاوتی از کسانی داشته باشند که در طراحی قانون نفوذ دارند. زمانی که نیروهای سیاسی محلی انگیزه‌ای برای اجرای یک قانون معین نمی‌بینند، این قانون تنها روی کاغذ باقی خواهد ماند یا درمورد قوانینی که به شیوه‌هایی ناقص ساخته شده‌اند، این قوانین ممکن است اجرا شوند، اما این اجرا با شیوه گزینشی و جانب‌دارانه که به سود برخی و نه دیگران است صورت می‌پذیرد و منجر به فساد در فرایند می‌شود.

(ب) مؤلفه‌های اقتصادی

منابع در اجرای قوانین

شکاف اجرایی در کشورهای در حال توسعه گاهی اوقات به گردن انباشت فقدان منابع گذاشته می‌شود. هزینه اجرای قانون گران است و مقامات اداری اغلب بهانه می‌آورند که ابزارهای اجرای آن را ندارد. با این وجود، به ندرت اتفاق می‌افتد که کل منابع توانایی دولت را در طراحی و اجرای قوانینی که خوب وضع شده‌اند، تعیین کند. در حقیقت بسیاری از کشورهای که دارای منابع طبیعی غنی هستند، از نیجریه تا ونزوئلا - و از ضعف حکمرانی که شکاف اجرایی را تشدید می‌کند رنج می‌برند، به دلیل آن است که اقتصادشان به اقتصاد بیش از اندازه وابسته به بخش استخراجی تبدیل شده است که به رانت‌جویی و فساد در تمامی سطوح دولت منجر می‌شود.

ناکامی در تخصیص منابع اثربخش نیز خود، موضوعی مسئله‌ساز است. اغلب اوقات منافعی که قانون قصد دارد برای عموم مردم تخصیص دهد در نهایت، به وسیله مقامات دولتی به خودشان و نخبگان وابسته به آن‌ها اختصاص داده می‌شود. تأثیر نخبگان بر دولت به ویژه در سطح محلی، اغلب تأثیری اساسی است. وسوسه رانت‌جویی به شکل مستقیم به وسیله منحرف کردن منابع به شکل غیرمستقیم به وسیله نفوذ در فرایندهای تصمیم‌سازی، همراه شدن با فقدان نظارت یا بازدارنده‌های کافی برای نقض قوانین

صورت می‌پذیرد. معنای این حرف آن است که یک شکاف اجرایی احتمالاً در حال بزرگ شدن است.

ازسوی دیگر، یک قانون ممکن است عوام‌گرا و متمایل به سمت خواسته‌های عمومی از طریق درخواست توزیع منافع اقتصادی معین که به طور گسترده ارائه شده است باشد، اما در شناسایی منابع واقعی، تأمین اعتبار برای اجرا یا از طریق افزایش مالیات‌بندی یا خارج کردن حوزه‌ای دیگر از اولویت‌های هزینه‌کرد عمومی شکست بخورد.

موانع فعالیت اقتصادی

در اکثر کشورهای در حال توسعه، هسته اصلی اقتصادی مشکل شکاف اجرایی، شیوه‌ای است که ضمن آن قوانین و مقررات، فعالیت اقتصادی را به گونه‌ای محدود می‌کنند که بخش‌های بزرگ عمومی از اقتصاد رسمی بیرون گذاشته می‌شوند. الزامات قانونی بیش از اندازه برای شهروندان عادی سخت است و تطبیق با آن‌ها فاقد معنای اقتصادی است. هرماندو دوسوتو، رئیس مؤسسه آزادی و دموکراسی نشان داد این مشکل در کشور خودش یعنی پرو و بسیاری از کشورهای دیگر به وسیله به آزمون کشیدن بسیاری منابع که پیمان‌کاران با آن روبه‌رو هستند از قوانین مالکیت دست نیافتنی تا فقدان نظام عدالت کارآمد شروع می‌شود.^۱

در تجربه مرکز تجارت خصوصی بین‌المللی که با بخش خصوصی در سراسر جهان کار می‌کند، قوانین و مقررات مربوط به ثبت و عملیات تجاری، نمونه‌های اصلی این مشکل هستند. زمانی که رویه‌ها پیچیده و گران باشند، شمار اندکی از بنگاه‌ها می‌توانند در هر دو زمینه پول و زمان با یکدیگر همکاری کنند و در نتیجه، مجبور به انجام فعالیت اقتصادی مشروع در بخش غیررسمی، بدون حمایت ازسوی قانون خواهند بود.

1 . Hernando de Soto, The Mystery of Capital: Why Capitalism Triumphs in the West and Fails Everywhere Else, New York: Basic Books, 2000

زمانی که سهم قابل توجهی از جمعیت کشور در دام بخش غیررسمی بیفتند، بزرگی شکاف اجرایی کاملاً مشهود است. از آنجاکه این مردم بخشی از اقتصاد رسمی نیستند، بیشتر قوانینی که در غیر این وضعیت، برای آن‌ها مفید است، اعمال نمی‌شود. تا زمانی که رشوه دادن به یک کارمند با حقوق کم، برای گریز از مقررات دست‌وپاگیر، شیوه‌ای کارا تر نسبت به الزامات قانونی است، غیررسمی بودن به‌عنوان تنها انتخاب عقلانی بسیاری از کارآفرینان توانایی که نیرو و ابتکارشان می‌توانست به مجاری سودآوری هدایت شود، ادامه خواهد داشت.

منافع اعطاشده

سایر دلایل اقتصادی درمورد اینکه چرا شکاف اجرایی به‌وجود می‌آید، ممکن است به مسئله مخالفت‌هایی که یک قانون با آن روبه‌رو می‌شود بازگردد. برای نمونه اگر قانون به نوعی، منافع اعطاشده به گروه‌های اقتصادی خاص را به چالش بکشد، جای تعجب نیست که آن گروه‌ها در مقابل اجرا مقاومت کنند. تا زمانی که اجرای قانون توسط منافع خاص افرادی معطل باقی بماند و آن‌ها منافع اقتصادی‌شان را مورد تهدید ببینند، حتی بهترین قوانین هم در لابه‌لای کتاب‌ها باقی می‌مانند. در اینجا چالش این است که چگونه بر این مقاومت، از طریق عمل هماهنگ با دیگر گروه‌هایی که از اجرای قانون فرضی حمایت می‌کنند، غلبه کنیم.

ج) مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی

تأثیر نخبگان محلی^۱

شکاف اجرایی همچنین به واسطه مجموعه گوناگونی از شرایط اجتماعی و فرهنگی رخ داده و باقی می‌ماند. فقدان اجرای مناسب در سطح محلی نوعاً ناشی از فقدان اراده

سیاسی و این حقیقت است که نخبگان از حفظ وضع موجود سود می‌برند. بدون وجود نظارت و فشار بیشتر در اجتماع محلی، احتمال اندکی می‌رود که دولت‌های محلی اصلاحاتی را دنبال کنند که ممکن است به سود عموم مردم باشد اما به نحوی از انحاء به منافع نخبگان آسیب می‌رساند. حتی اگر نخبگان خود به صورت مستقیم درگیر اجرای قانون نباشند، ممکن است بر نفوذ غیرمستقیم کسانی که درگیر این فرایند هستند تأثیر بگذارند.

نمونه‌ای از این موضوع، تخصیص سرمایه‌گذاری در بخش مراقبت‌های سلامت است. در بسیاری از کشورها نوعی تمایل به هزینه‌کرد منابع کمیاب درخصوص خدمات پیچیده‌تر مراقبت سلامت وجود دارد. دلیل این مسئله این است که نخبگان محلی قبلاً مراقبت‌های کیفی [اولیه] سلامت را برای خودشان تأمین کرده‌اند و به دنبال تضمین مراقبت‌های بیشتری هستند. نیازهای مردم در گستره مراقبت‌های اولیه سلامت به نیازهای ثانویه در منافع نخبگان تبدیل می‌شود. اگرچه به لحاظ نظری، قوانین برای بهبود سرمایه‌گذاری در بخش مراقبت سلامت در تمامی سطوح سلامت قبلاً تعیین شده است، اما در واقعیت چیزی متفاوت است. به این دلیل که میان نیازهای موجود و منافع به وجود آمده، اختلاف وجود دارد.

ساختارهای اجتماعی

پیچیدگی‌های اجتماعی بر اجرای قوانین نیز تأثیر می‌گذارند. ساختارهای غیررسمی مانند وفاداری قومی و روندهای اشتغالات مدنی اغلب ریشه در فرهنگ و تاریخ دارند. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، ساختارهای غیررسمی قدرت، به خصوص در سطح محلی، اغلب مکمل و یا حتی جانشین ساختارهای رسمی می‌شوند و فضا را برای پیشبرد منافع به سود صاحبان قدرت و به ضرر آن‌هایی که فاقد قدرت هستند، باز می‌کنند. زمانی که این افراد از شبکه‌های قدرت غیررسمی عبور می‌کنند، قوانین در طرح و اهدافشان شکست می‌خورند.

در نتیجه شهروندان بیشتر علاقه‌مند به تأییراتی می‌شوند که می‌توانند از طریق شبکه‌های غیررسمی داشته باشند تا اینکه دولت محلی را پاسخگو بدانند. این بی‌تفاوتی اغلب ریشه در تجارب تاریخی آن‌ها دارد و به وسیله عمل نکردن نسبت به نیازهای محلی تقویت می‌شود. به این ترتیب اعضای کم‌اهمیت جامعه به‌رغم وجود دولت محلی، به‌جای تکیه بر کمک و حمایت آن، به‌کار خود ادامه می‌دهند. این مسئله به‌نوبه خود تمایل افراد صاحب قدرت به منافع خودشان را با معاف بودن از پاسخگویی تقویت می‌کند و موجب گسترده‌تر شدن شکاف اجرایی می‌شود.

میراث فرهنگی

شکاف اجرایی همچنین می‌تواند به‌وسیله کلیشه‌های فرهنگی یا فعالیت‌هایی که در طول نسل‌ها ادامه داشته است، تقویت شود. یک مثال قابل بیان، به حقوق زنان مربوط می‌شود. در بسیاری کشورها اجرای قانون، فاقد برخوردی مساوی با مردان و زنان است. با این حال حتی در کشورهایی که هر دو جنس در اصل، تحت حمایت قانون برابر هستند، اما با زنان برخورد مساوی نمی‌شوند.

به‌عنوان مثال اگرچه در اکثر کشورها، قانون اساسی حقوق مالکیت برابر برای مردان و زنان را تضمین می‌کند، اما در عمل، این مردان هستند که بر زمین و دیگر مستغلات نظارت دارند. همچنین زنان به‌طور شایع در این زمینه از طریق ارث محروم هستند. برخی کشورها، مستغلات یک زن بیوه، پس از مرگ به مرد بعدی از فامیل او می‌رسد. این مسئله درخصوص حقوق زنان در مشارکت‌های اقتصادی نیز صدق می‌کند، درحالی که قانون ممکن است فرصت‌های برابر را بیان کند، اما زنان اغلب از شروع و راه‌اندازی کسب‌وکار به‌واسطه هنجارهای اجتماعی محدودکننده، منع می‌شوند.

نهادها و انگیزه‌ها، مهم هستند

همه دلایل چندگانه در پس وجود و پایداری شکاف‌های اجرایی در بافت‌های کشورهای گوناگون، به وضوح به یک موضوع فراگیر در میان این توضیحات متفاوت اشاره دارد و آن اینکه: /انگیزه‌ها مهم هستند. زمانی که یک شکاف اجرایی به وجود می‌آید، دلیل ریشه‌ای آن، این است که انگیزه‌ها چه سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی و فرهنگی باشند، انگیزه‌هایی نامناسب یا حتی ضدمولد هستند. بنابراین ضروری است بدانیم این انگیزه‌ها چه هستند و چگونه تشخیص داده می‌شوند. چرا سیاست‌ها به ندرت به آن صورتی که برنامه‌ریزی شده‌اند، اجرا می‌شوند. این مسئله، به صورتی اثربخش به ظهور خاص شکاف اجرایی اشاره دارد.

در تحلیل انگیزه‌های مهم، در وهله نخست، باید محیطی نهادین که آن‌ها را به وجود آورده است را طراحی کنیم. داکلاس نورس، برنده جایزه نوبل اقتصادی، در بیان مشهوری گفته است که چالش کلیدی اصلاحات نهادین، نیازمند شناخت این مسئله است که آن‌ها چرا این گونه کار می‌کنند.^۱ نهادهای رسمی و غیررسمی و همچنین سازوکارهای اجرایی مربوط در این حوزه که بر رفتار تصمیم‌سازان، مقامات عمومی، صاحبان کسب و کار، نهادهای جامعه مدنی و شهروندان معمولی تأثیر می‌گذارند، چه هستند؟ تنها زمانی که متوجه شویم انگیزه‌های نهادین چه هستند، می‌توانیم شروع به شکل دادن آن‌ها به گونه‌ای نماییم که به پرکردن شکاف اجرایی کمک کند.

غلبه بر شکاف اجرایی نیازمند رهیافتی دوگانه است که هم متمرکز بر ارتقای کیفی قوانین باشد و هم این اطمینان را بدهد که آن‌ها به نیازها و دغدغه‌های واقعی مردم مربوط هستند. از زبانی اقتصادی، زمانی شکاف اجرایی از ریشه برچیده می‌شود که عرضه قوانین درست و دقیق با تقاضای مربوط در این حوزه برای اجرای آن‌ها در کنار یکدیگر قرار گیرند.

1 . Douglass C. North, Institutions, Instructional Change, and Economic Performance, New York: Cambridge University Press, 1990.

غلبه بر شکاف اجرایی

ذی نفعان کلیدی و نقش‌های آن‌ها

شکاف اجرایی ارایه کننده موضوعات عمده برای بازیگرانی همچون دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است که در پرداختن به این مسئله دارای سهم هستند. اگر خدمات عمومی به این دلیل ارائه نمی‌شود که دولت در اجرای قوانین مناسب موفق نیست یا اگر شرکت‌ها به این دلیل در اقتصاد غیررسمی فعالیت می‌کنند که رعایت مقررات، کاری پرهزینه است، آنگاه جوامع می‌توانند برای به دست آوردن موفقیت مبارزه کنند. با این وجود، تعیین دقیق مشکل اصلی، مسئولیتی نیست که فقط متوجه یکی از ذی‌نفعان باشد بلکه تمامی بازیگران اجتماعی باید در پرداختن به شکاف اجرایی و پرکردن آن مشارکت داشته باشند.

بخش حاضر ارائه‌کننده برخی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که دولت‌ها، بخش خصوصی و جامعه مدنی ممکن است در برقراری ارتباط با شکاف اجرایی با آن مواجه شوند. این فصل مجموعه‌ای از موقعیت‌ها را برمی‌شمارد که ذی‌نفعان ممکن است خود را در آن موقعیت‌ها بیابند و یا موانعی را بیان می‌کند که ممکن است در تلاش برای پاسخ‌دهی به این چالش‌ها و یا ارائه توصیه‌های احتمالی در پرداختن به آن‌ها روبه‌رو شوند.

(۱) دولت

در جوامع دموکراتیک، دولت‌ها در تمام سطوح، نماینده مردم محسوب می‌شوند و کارکردن به نفع موکلانشان به عهده آن‌ها گذاشته می‌شود. باین حال در وادی عمل، این مسئله اغلب در دموکراسی‌های ضعیف جایی ندارد، چه برسد به کشورهای غیردموکراتیک.

سناریوهای احتمالی

دولت قوانین را می‌پذیرد اما آن‌ها را اجرا نمی‌کند

این موقعیت، یک شکاف اجرایی کلاسیک محسوب می‌شود و دولت‌ها اغلب چنین می‌پندارند که وقتی قانون در قوه مقننه به تصویب رسید، کار آن‌ها تمام می‌شود اما قوانین تا زمانی که اجرا نشده‌اند، چیزهایی بی‌معنی هستند.

ایجاد قوانین معمولاً فرایندی پیچیده است و در بسیاری از کشورها نیازمند مشارکت هر دو قوای مقننه و مجریه می‌باشد. در کشورهایی که نظام قضایی آن‌ها بر پایه حقوق عرفی یا کامن‌لا است، قوه قضائیه گاهی فعالانه قوانین را ایجاد می‌کند، درحالی که قوه مجریه اغلب فرایند پیش‌نویس قوانین را شروع می‌کند، که هدف اصلی آن باید اجرا و نه صرفاً تصویب قانون در مجلس باشد.

شکاف اجرایی ممکن است منجر به بی‌ثباتی اجتماعی شود و زمینه‌های مناسب برای فرصت‌طلبی سیاسی و حتی خشونت با انگیزه سیاسی را به وجود آورد. در این عرصه برای تمامی کشورها واقع‌بین بودن در پیش‌بینی اینکه چه میزان از اجرای تلاش‌های تقنینی، شدنی است، مهم تلقی می‌شود. گاهی از اوقات توصیه می‌شود اصلاحات خاص قبل از آنکه ریشه‌دار شوند، انجام گیرد، در غیر این صورت اصلاحات تقنینی متعدد، بدون پیگیری مناسب، می‌تواند به بی‌اعتمادی جمعی نسبت به اراده سیاسی یک دولت یا در بدترین سناریو، به پیامدهای خطرناک پیش‌گفته، منجر شود.

دولت قوانین را می‌پذیرد و آن‌ها را اجرا می‌کند

این به روشنی یک سناریوی ایده‌آل است. هر دولتی با موانع گوناگونی در تلاش خود برای اجرای قوانین روبه‌رو می‌شود (در ادامه خواهد آمد) اما تمرکز اولیه باید روی غلبه کردن بر این‌ها و تضمین اجرای کامل مقررات باشد. بار دیگر، مهم است که قوانین هم از نظر فراگیری و هم تعداد، واقع‌بینانه باشند. قوانین کمتر و اثربخش‌تر انتخاب بهتری از بسیاری قوانین تصویب شده هستند که تنها واژه‌هایی توخالی بر روی کاغذ باقی می‌مانند.

موانعی که دولت‌ها ممکن است با آن روبه‌رو شوند

نبود اراده سیاسی

اراده سیاسی در فرایند تصویب و اجرای قوانین و مقررات امری ضروری محسوب می‌شود. این یک نقطه شروع و پیش‌شرط ضروری برای پیشرفت کلی جامعه است. اراده سیاسی از نظر آرمانی محصول خواست‌های عمومی است که از خلال فرایند دموکراسی بیان می‌شود. در این گزارش منظور از اراده سیاسی، اراده دولت برای اجرای راه‌حل‌های سیاسی است که فایده آن به تمام جامعه می‌رسد. با این وجود در جایی که اراده سیاسی وجود ندارد، حتی تصویب قوانین ممکن است مشکل‌ساز باشد و شکاف اجرایی به یک قاعده نه استثناء تبدیل شود.

در سطح محلی، اگر قوانینی که انتظار می‌رود دولت‌های محلی آن را اجرا کنند، تنها از سوی دولت مرکزی و بدون ورودی از طرف دولت محلی به تصویب‌رسد، موضوع اراده سیاسی موضوعی ترکیبی و پیچیده خواهد بود. زمانی که این اتفاق بیفتد، دولت‌های محلی احساس نمی‌کنند که مالک چنین قوانینی هستند و بنابراین نسبت به اجرای آن بی‌میل می‌باشند.

مشکلات مربوط به منابع انسانی

برخی از اصلاحات سیاسی نیازمند منابع انسانی قابل توجهی هستند. اگر قرار است اصلاحات در سطوح گوناگون دولت (ملی، منطقه‌ای، محلی) و یا در بخش‌های گوناگون اجرا شود، این نیاز می‌تواند حتی بیشتر باشد. این مسئله، نیاز به واقعی بودن اصلاحات سیاسی و تکیه بر شمار مناسبی از کارمندان دولتی برای اجرای آن‌ها را تقویت می‌کند.

با این حال، حتی اگر افراد کافی در یک اداره مورد نظر برای اجرای قوانین وجود داشته باشند، نبود آموزش مناسب و مهارت‌های حرفه‌ای می‌تواند در این تلاش، مانعی غیرقابل حل را ارائه نماید. فقدان دانش و تجربه در میان مقامات دولتی حتی اگر اراده سیاسی برای هر دو مورد تصویب و اجرای قوانین جدید وجود داشته باشد، می‌تواند به بروز شکاف اجرایی منجر گردد.

نبود ابزارهای مادی

فقدان منابع می‌تواند مانعی برای اجرای قوانین، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه باشد. چنان‌که قبلاً گفته شد، این مسئله برای دولت‌های محلی صادق است، مخصوصاً اگر آن‌ها دستوری برای ارائه قوانین خاص از سوی دولت مرکزی دریافت کنند که هنوز تأمین اعتبار نشده است. مشکل بتوان تصور کرد که این مسئله می‌تواند در تمامی کشورهایی که تحت محدودیت‌های مالی خاصی فعالیت می‌کنند به‌طور کامل از بین برود. با این حال در بسیاری موارد، این کمبود منابع نیست که به‌خودی‌خود مانع تخصیص می‌شود بلکه مشکلات پنهان‌شده حکمرانی است که از تخصیص بهتر منابع جلوگیری می‌کند. دولت‌های ناکارآمد و فاسد بیشتر به سمت هدر دادن منابع کمیاب به‌جای استفاده از آن‌ها برای قانون‌گذاری‌های موردنیاز متمایل هستند.

فساد

بدون شک فساد یکی از موانع اصلی برای اجرای قوانین و مقررات است. در فضایی فسادآلود (در هر شکلی که خودش را نشان دهد) بسیار دشوار است که در گام نخست، قوانین موردنیاز تصویب شوند و به دنبال آن، عملاً اجرای آن‌ها نیز غیرممکن می‌باشد. فساد، سیستمی موازی ایجاد می‌کند که در آن دولت و جامعه به طور یکسان، به طور مستقل یا حتی علیه قوانین موجود عمل می‌کنند. این مسئله ماهیت حاکمیت قانون را نابود و یک عدم اطمینان بزرگ‌تر اقتصادی و اجتماعی را ایجاد می‌کند. این امر می‌تواند جوامع فقیر را حتی فقیرتر سازد.

عدم پذیرش

اگر اصلاحات با توجه به موقعیت کنونی در یک کشور، چیزی بیش از حد بلندپروازانه و غیرواقعی باشد، جامعه ممکن است با چالش عدم پذیرش یا فقدان آمادگی عمومی برای پذیرش اصلاحات مواجه شود. این حرف به معنای آن است که عموم برای قوانین جدید آماده نیستند زیرا مردم ممکن است از وسعت اصلاحات پیشنهاد شده بترسند، یا اینکه فکر کنند اصلاحات ناکارآمد بود و لذا ارزش حمایت ندارد. این مسئله اغلب زمانی رخ می‌دهد که قوانین موجود درمورد یک موضوع فرضی به صورت درست اجرا نشده و نتایج مورد انتظار را به بار نیاورده است. دولت باید برای غلبه بر عدم پذیرش، به این نگرانی‌ها توجه کند.

پیشرفت تدریجی تر اصلاحات ممکن است برای آرام کردن ترس عمومی از تغییرات شدید لازم باشد و اجرایی تمام و کمال از قوانین که قبلاً وضع شده بودند نیز ضروری است تا اعتماد مردم به توانایی دولت برای اجرای موفقیت‌آمیز قوانین جدید را جلب نماید.

مخالفت عمومی

در هر کشوری، بخش‌های کوچک و بزرگ جامعه ممکن است با برخی دستورکارهای اصلاحی مخالفت کنند. با این وجود، این مسئله لزوماً به شکاف اجرایی منتهی نخواهد شد، به شرطی که نیروهای حامی دستورکارهای اصلاحی در اکثریت باشند. اما اگر گروه اکثریت و با نفوذ داخل کشور، مخالف اصلاحات باشد، شکاف اجرایی ممکن است اتفاق بیفتد.

شکل دیگری از این مشکل که می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر شکاف اجرایی در یک کشور داشته باشد، ناتوانی دولت‌ها (در هر سطحی) در انتقال پیام سیاستی‌شان به عموم مردم است. اگر این پیام‌ها به‌طور روشن انتقال پیدا نکند و یا به‌اندازه کافی از نیاز به اجرای یک قانون فرضی سخن نگوید، شکاف اجرایی به‌احتمال بیشتری رخ می‌دهد.

کانال‌های ارتباطی مسدود شده است

گاهی دولت‌ها براساس ساختار خاص قانون اساسی، ترتیبات مالی و روابط اقتدار، فاقد ساختاری اداری هستند که روابط شفاف میان دولت محلی و مرکزی را فراهم آورد. این مشکل می‌تواند خود را در هر دو حالت بالا به پایین و پایین به بالا آشکار کند. یعنی دولت مرکزی نمی‌تواند اراده خود را به دولت‌های محلی انتقال دهد یا برعکس، دولت‌های محلی نمی‌توانند به آن اراده ملی دست یابند.

راه‌های ممکن برای دولت در پرداختن به شکاف اجرایی

اراده سیاسی

واضح است که اراده سیاسی یکی از مؤلفه‌های مهم (هرچند مهم‌ترین مؤلفه) در اجرای قانون است. جایی که اراده سیاسی رهبران دولتی برای دیدن اصلاحات وجود دارد، بعید است شکاف اجرایی رخ دهد.

به‌عنوان مثال، اراده سیاسی می‌تواند از طریق ارتباط بهتر، یعنی ایجاد اعتماد نسبت به اینکه دولت مسئولیت اجرا را برعهده دارد و اینکه رأی دهندگانش فواید قانونی را درک می‌کنند، پیش رود.

در همین زمان اگر اجرا صرفاً به عهده دولت واگذار شود، به ندرت عملی می‌گردد. معنای این حرف آن است که جامعه مدنی باید درگیر بماند و خواهان انجام کنش و رصدکننده پیشرفت باشد.

سازمان‌هایی که بخش‌های مختلف در جامعه را نمایندگی می‌کنند، باید بر اجرای قوانین و حمایت فعالانه از آن‌ها از طریق مجاری در دسترس متمرکز شوند.

منابع انسانی

کارمندان تحصیل کرده و واجد شرایط، پشتیبان اجرای موفق قانون هستند. یک طرح اصلاحی واقع‌بینانه لزوماً باید شامل شمار خاصی از مردم در اداره دولتی در تمامی سطوح باشد که برای اجرای موفق قوانین موردنیاز خواهد بود. همچنین سوابق آموزشی و تجارب حرفه‌ای برای اجرای قانون بسیار مهم هستند.

هزینه‌ی داشتن کارمندانی که به میزان کافی آماده نشده‌اند، می‌تواند بسیار بیشتر از تصویب نکردن قوانین باشد. به همین دلیل، قبل از تصویب قوانین و کار آماده‌سازی قوانین و مقررات، منابع انسانی باید به‌دقت موردتوجه قرار گیرد.

ابزارهای مادی

برای بسیاری از دولت‌ها، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه اگرچه کمبود منابع ممکن است یک مانع باشد، اما کلید اجتناب از شکاف اجرایی، تعیین دستورکارهای اصلاحی واقع‌گراست.

البته این دستورکار شامل برنامه‌ریزی واقعی و بودجه بندی منابعی است که برای اجرای اصلاحات خاص موردنیاز خواهد بود. همچنین دولت باید از کارشناسان موضوعات مختلف واجد شرایط و ذی‌نفعان مربوط، برای تهیه یک برنامه اثربخش و فعال استفاده کند. درنتیجه چنین ابزاری از برنامه ریزی، دولت باید از تمامی جنبه‌های اصلاحی که نمی‌تواند واقع‌بینانه باشد و مسئولانه اجرا شود، اجتناب نماید. با انجام این کار، اراده ملت از مؤلفه‌های مطلوب اصلاحات یا ایجاد عدم اطمینان عمومی در قوانینی که نیازمند اجرا می‌باشند، منحرف نمی‌شود.

مبارزه با فساد

مبارزه با فساد یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها و مهم‌ترین وظایف برای دولت‌های سراسر جهان می‌باشد. اگر قرار است اصلاحات و اجرای قانون موفقیت‌آمیز باشند، فساد احتمالاً به عنوان بزرگ‌ترین مانع برای اجرای مناسب قوانین باید در تمام سطوح دولت محدود شود.

این مسئله می‌تواند از طریق مقیاس‌های گوناگون حکمرانی بهتر، معرفی شفاف راهنماهای رفتار مناسب، آموزش فراوان اصول اخلاقی، حفاظت از افشاگران و مجازات سخت برای رفتار فاسد در میان مقامات عمومی به انجام رسد.

ضمناً هم‌زمان، تشخیص این مسئله بسیار حیاتی است که مبارزه با فساد نمی‌تواند تنها به عهده دولت گذاشته شود.

بخش خصوصی و جامعه مدنی باید فعالانه در رصد کنش‌های دولت درگیر شوند و مطمئن باشند که آن‌ها خودشان به مشکل فساد از طریق فقدان شفافیت و پاسخگویی در سازمان‌های خود کمک نمی‌کنند.

پذیرش عمومی

دولت زمانی که به مسئله ظرفیت عموم برای جذب اصلاحات و پیروی از قوانین جدی می‌رسد، لازم است واقع‌گرا باشد.

متغیرهای گوناگونی شامل تاریخ، فرهنگ یا سرشت نظام سیاسی می‌تواند بر این توانایی تأثیر بگذارد و این موارد زمانی که دولت درمورد دستورکار سیاسی اش تصمیم می‌گیرد، باید به حساب آورده شوند.

بهتر است درخصوص ابتکارات تقنینی گوناگون، گام‌های کوچک و درعین حال همواره درجهت مثبت برداشته شود، نه اینکه حرکت‌هایی رفت و برگشتی به جلو و عقب وجود داشته باشد و مردم هم ندانند که اهداف قانونی که قرار است اجرا شود چیست. برای ارتقای میزان پذیرش عمومی، دولت باید درهای خود را به‌روی ورودی‌ها ازسوی ذی‌نفعان گوناگون قبل از تصویب قانون باز گذارد.

برای مثال دولت باید نسبت به پیش انتشار قانون در قالب پیش‌نویس آن به‌منظور دریافت تفسیر عمومی اقدام نماید. بنابراین قوانین یادشده می‌تواند براساس آن ورودی‌ها و قبل از تصویب، تنظیم شوند.

دولت همچنین باید عمل منظم و همفکری عمومی شفاف درمورد اصلاحات کلیدی آتی را ایجاد کند.

کار با عموم

اغلب اوقات کافی است باب گفت‌وگو با عموم را به‌ویژه درمورد اصلاحات وسیع بازکنیم تا از تنش‌های اجتماعی اجتناب و از اجرای قوانین اطمینان حاصل شود. در یک کشور، هیچ گروهی نباید احساس انزوا نماید و مذاکره با جوامع گوناگون و نمایندگان منافع اجتماعی متفاوت برای اجرای موفق قانون ضروری است.

عدم تأیید عمومی نسبت به برخی تلاش‌های اصلاحی، چیزی است که سیاستمداران باید روی آن حساب کرده و آن را قبول کنند. در این زمینه مهم است که تحلیلی به موقع از اینکه اصلاحات کجا درست کار می‌کنند و کجا درست کار نمی‌کنند، ارائه دهیم. همچنین مهم است که دولت با عموم مردم درمورد اهداف و منافع اصلاحات و همچنین پیشرفت اجرای آن گفت‌وگو کند تا اینکه به غلبه بر مخالفان کمک نماید.

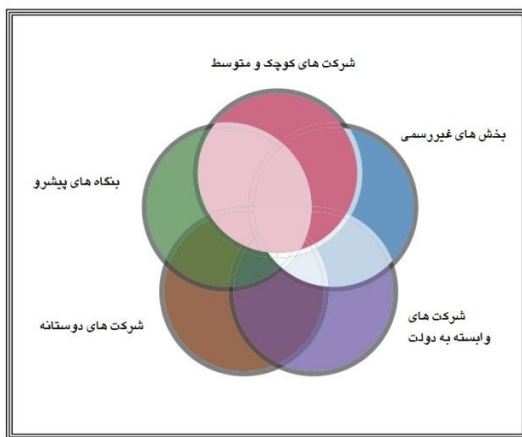
ارتباطات فرا دولت

وجود ارتباطی روشن میان ایده‌ها و برنامه‌ها ازسوی دولت‌های ملی به محلی و برعکس، برای اجرای موفق قوانین و مقررات بسیار مهم است. بهترین شکل برای ارتقای این ارتباط، به‌ویژه به ساختارهای قانون اساسی و ساختارهای اداری دولت در یک کشور مورد نظر بستگی دارد.

بدون توجه به سرشت دقیق ارتباط میان دولت ملی و محلی، نیاز است تا مقامات در هر سطحی اطمینان حاصل کنند که این مجاری ارتباطی برای کارمندان مربوط قبل از تعهد اجرای قانونی خاص، باز و به‌راحتی در دسترس است.

۲) بخش خصوصی

بخش خصوصی نقشی حیاتی در ساختار جوامع موفق و آزاد دارد و همچنین یکی از ذی‌نفعان اصلی در پرداختن به شکاف اجرایی محسوب می‌شود. به‌ویژه یک محیط کسب و کار خوب، نظامی است که مالکیت خصوصی در آن محافظت می‌شود، نظام حقوقی که اقتصاد بازار رقابتی را ایجاد می‌کند، یک نظام اداره دولتی کارآمد است، یعنی یک زیرساخت حمایتی کافی است که همگی بستگی به حداقل شکاف‌های اجرایی دارد که بر ستون‌های کلیدی درستکاری تأثیر می‌گذارد. این ستون‌ها عبارت‌اند از حکمرانی خوب و سازوکارهای ضدفساد که در گزارش سازمان درستکاری جهانی مورد آزمون قرار گرفته است: دسترسی به اطلاعات، حفاظت‌های دولت درخصوص تضاد منافع، بررسی و تنظیم کردن، مدیریت مالی و بودجه، اداره عمومی و مقررات تجاری. داشتن منابع کسب و کار، سرمایه انسانی و توانایی حل مسئله، مواردی هستند که می‌توانند در اجرای بهتر قوانین همکاری کنند. در جایی که جامعه تجاری در هر کشور فرضی به‌عنوان یک نهاد یکپارچه توصیف می‌شود، تشخیص این مسئله اهمیت می‌یابد. اما بخش خصوصی درواقع مرکب از چندین گروه با ویژگی‌های متفاوت و منافع واگرا از جمله سرمایه‌گذاری‌های متوسط و کوچک یا شرکت‌های وابسته به دولت می‌باشد.



منافع آن‌ها و به دنبال آن، تمایلات و توانایی شان برای کمک به پرکردن شکاف اجرایی متفاوت است و این تفاوت بستگی به این دارد که کدام بخش خاص جامعه تجاری موردنظر باشد و محیط کلی نهادهای کشور فرضی شبیه چه باشد. در نتیجه کسب‌وکار با شکاف‌های اجرایی به شیوه‌های متفاوتی ارتباط پیدا می‌کند.

سناریوهای احتمالی

شکاف‌های اجرایی موجب پیدایش گستره‌ای از پاسخ‌های بنگاه-پایه و همچنین پاسخ‌های گروه تجاری گسترده می‌شود. در برخی موارد، عدم فعالیت یا فعالیت تجاری، شکاف اجرایی را دائمی می‌سازد، هرچند بخش خصوصی می‌تواند همچنین نقش مهمی در کمک به رسیدگی به آن‌ها ایفا نماید.

بخش خصوصی منفعلانه شکاف‌های اجرایی را می‌پذیرد

این وضعیت زمانی اتفاق می‌افتد که بخش خصوصی به شدت منفعل است و این واقعیت را می‌پذیرد که قوانین خاص حتی اگر به گونه‌ای بالقوه سودمند باشند، اصلاً اجرا نمی‌شوند. جامعه تجاری ممکن است به دلایل مختلف قادر به تغییر این وضعیت نباشد

و یا به آن تمایلی نداشته باشد. نخست آنچه در تشریح این وضعیت باید گفت اینکه کسب و کار ممکن است ظرفیت کافی برای درخواست اجرای بهتر قوانین را نداشته باشد. اگر هیچ سازمان تجاری نماینده‌ای مانند انجمن‌های مستقل کسب و کار یا اتاق‌های بازرگانی داوطلبانه وجود نداشته باشد، برای کسب و کارهای انفرادی بسیار سخت است که دست به ایجاد تغییر بزنند. به همین ترتیب، اگر چنین سازمان‌هایی وجود داشته باشد اما ضعیف و غیرفعال بمانند، شکاف اجرایی پابرجا خواهد ماند.

ظرفیت سازمانی برای تقاضای اجرای بهتر قوانین، تنها عامل همکاری برای پذیرش منفعل شکاف‌های اجرایی نیست. این مسئله‌ای رایج است که برخی شرکت‌ها از محیطی با اجرای بد [قوانین] سود می‌برند. به عنوان مثال، چنین شرکت‌هایی ممکن است از اجرای ضعیف قوانین شفاف مربوط به تهیه ملزومات سود ببرند، زیرا آن‌ها از ارتباط نزدیک با مقامات تهیه‌کننده ملزومات بهره‌مند می‌شوند و این کمک می‌کند تا در مزایده‌ها برنده شوند. جای تعجب نیست که آن‌ها علاقه‌ای به وارد آوردن فشار برای اجرای قوانینی که موقعیت سودآور آن‌ها را کاهش دهد، ندارند.

بخش خصوصی به مشکل شکاف اجرایی کمک می‌کند

اگر مسئولیت‌هایی که از سوی شکاف‌های اجرایی به بنگاه‌ها تحمیل شده، نسبتاً کوچک باشد، آن‌ها به سمت یادگیری کار در جایی پیرامون نظام‌های موجود حرکت می‌کنند زیرا تنظیم خود با سیستم موجود برای آن‌ها از تقاضای اصلاح سیستم راحت‌تر است. آن‌ها ممکن است در مقررات موجود، راه‌های فراری را بیابند که به کمک آن‌ها از متن قانون و نه روح قانون اطاعت کنند. بنگاه‌ها همچنین ممکن است برای به‌دست آوردن خدمتی عمومی از رشوه استفاده کنند، مانند ثبت سریع بنگاه تجاری یا صدور مجوز که قانون از نگاه نظری آن‌ها را شایسته می‌داند اما در عمل این خدمت را ارائه نمی‌کند. با این کار، شرکت‌هایی که فقط برای بقاء در یک محیط سخت تلاش می‌کنند، در ماندگاری شکاف‌های اجرایی مشارکت می‌نمایند.

همزمان، شرکت‌هایی که از اجرای ضعیف قوانین خاص سود می‌برند، ممکن است فعالانه برای از میان بردن اجرای اثربخش‌تر اقدام نمایند. آن‌ها این کار را از طریق استفاده از نفوذشان در سطح تقنینی به‌منظور جلوگیری از تصریح قوانین فراگیر یا قوانین نامفهوم انجام می‌دهند که موجب استفاده از روابط سودآور خود یا مقامات عمومی برای به‌دست آوردن شرایط خاص یا جلب‌توجه دادگاه‌ها - در صورت نیاز به قضاوت دادگاه‌ها - می‌شود. بخش خصوصی می‌تواند با استفاده از رشوه‌خواری و دیگر اشکال فساد برای دورزدن قانون، به مشکل شکاف اجرایی بیفزاید.

بخش خصوصی به حل مشکل شکاف اجرایی کمک می‌کند

در این مورد، بخش خصوصی عوارض جانبی منفی شکاف اجرایی را می‌شناسد و در پی آن است تا به‌وسیله استفاده از راهبردها و ابزارهایی مؤثر برای رسیدن به هدف حل مشکل، کمک نماید. به‌عنوان مثال جامعه تجاری می‌تواند از طریق همکاری در انجمن‌های تجاری و اتاق‌های بازرگانی، به یک نظر جمعی و شفاف در فرایندهای قانون‌گذاری و اجرای قانون برسد. این مسئله به نوبه خود همکاری بخش خصوصی در جست‌وجوی راه‌حل‌ها برای شکاف‌های اجرایی موجود در همکاری با دولت و دیگر ذی‌نفعان از جمله سازمان‌های جامعه مدنی و رسانه‌ها را تسهیل می‌کند. با توجه به اینکه بخش خصوصی در هر کشوری از انواع مختلف کسب‌وکارهایی که منافع متفاوتی دارد تشکیل شده است، برخی از آن‌ها و نه همه، علاقه‌مند به اصلاحات می‌باشند. با این حال کسب‌وکارهایی که به لحاظ فکری شبیه یکدیگرند، در صورتی که شمارشان بسیار زیاد باشد، می‌توانند تا حد فراوانی در کاهش مشکل شکاف اجرایی مشارکت جویند.

کسب وکارها قادرند در پرداختن به شکاف اجرایی از راه‌های گوناگون کمک نمایند. این راه‌ها از متعهد کردن خود به اجرای قوانین مربوط گرفته تا دفاع کردن مشترک برای اجرای قوانین از سوی دولت در نوسان است.

راه‌های ممکن برای بخش خصوصی در پرداختن به شکاف‌های

اجرایی

تمهیدات داخلی

کسب‌وکار برای داشتن ظهوری معنادار در پرکردن شکاف اجرایی باید با آزمودن رویه‌ها و سیاست‌های داخلی خود و بهبود آن در زمان لازم شروع شود. این مسئله ممکن است شامل موافقت با الزامات مربوط به افشای مالی یا پایداری براساس استانداردهای اجباری ایمنی محصول یا مقررات کار باشد.

عمل ترجمان قانون به عملیات روزمره چیزی است که برعهده هر کسب‌وکاری گذاشته شده است. به‌هرحال، درنهایت، مجموع کنش‌های بنگاه‌های انفرادی و کارآفرینان است که یا در ایجاد شکاف اجرایی و یا در پرکردن آن کمک می‌نماید.

انطباق قانونی ازسوی کسب‌وکارها با حکمرانی خوب شرکتی شروع می‌شود. این حکمرانی شامل قواعد و سازوکارهایی برای تصمیم‌سازی شفاف و پاسخگو در شرکت، هم در استراتژی تجاری و هم در عملیات روزانه می‌باشد. از نگاه سنتی حکمرانی شرکتی چیزی تلقی می‌شد که تنها بر شرکت‌های فهرست شده به‌صورت عمومی قابل اعمال بود.

با این حال، این موضوع برای سایر کسب‌وکارها مانند بنگاه‌های خانوادگی، شرکت‌های دولتی و حتی شرکت‌های کوچک و متوسط هم مهم است. آن‌ها همگی با چالش‌های مشترکی مانند پایداری کسب‌وکار و انتقال رهبری روبه‌رو هستند و لذا باید به شکلی اثربخش مدیریت شوند تا یک بنگاه تجاری بتواند بعد از نسل بنیان‌گذاران خود به حیات خود ادامه دهد. با این کار، نوعی فعالیت حکمرانی شرکتی خوب در دل اقتصاد به‌وجود می‌آید که به پرداختن به مشکل شکاف اجرایی کمک خواهد کرد.

حمایت از سیاست‌گذاری عمومی

بخش خصوصی علاوه بر پیشبرد فعالیت‌های خود می‌تواند نقش فعالی را در تغییر موقعیت‌های نهادی منجر به شکاف‌های اجرایی بازی کند. بخش خصوصی به‌عنوان تهیه‌کننده اصلی کالا و خدمات در اقتصادهای مبتنی بر بازار قادر است بر تصمیم‌سازی و در نهایت کمک به پرکردن شکاف اجرایی تأثیر بگذارد. این مسئله می‌تواند از طریق انجمن‌های تجاری، اتاق‌های بازرگانی و اتاق‌های فکر اقتصادی و دیگر سازمان‌هایی که صدای بخش خصوصی را در همایش عمومی و از طریق گفت‌وگوی عمومی و خصوصی با دولت هم در سطح ملی و هم سطوح محلی نمایندگی می‌کنند، انجام پذیرد.

اگرچه بسیاری از افراد فکر می‌کنند که انجمن‌های تجاری فراهم‌کننده خدمات، آموزش و فرصت‌های شبکه‌ای برای اعضای تجاری خودشان هستند اما آن‌ها خیلی بیشتر از این می‌توانند عمل کنند. انجمن‌های تجاری مستقل داوطلبانه می‌توانند تلاش‌های حمایتی برای بهبود محیط تجاری محلی‌شان را به وسیله تمرکز بر موضوعات تقنینی مانند مقررات ورود و خروج تجاری، قواعد افشا و دسترسی به اطلاعات یا سطوح و رویه‌های مالیاتی هدایت کنند، بنابراین انجمن‌های تجاری اثربخش، خدمات اعضا را با برنامه‌های حمایتی برای اصلاحات سیاستی در نواحی تحت نفوذ اعضایشان و جایی که انجمن‌های آن‌ها فعالیت می‌کنند، درهم می‌آمیزند. با مشارکت بخش خصوصی در مباحث سیاستی، فرایندهای حمایتی شفاف حکمرانی خوب تقویت می‌شود و به پرکردن شکاف اجرایی کمک می‌کند.

حمایت در مقابل لابی‌گری [رایزنی]

در سخن گفتن از نیاز به وجود رایزنی عمومی، این مسئله مهم است که میان حمایت و لابی تمایز قائل شویم. دو اصطلاح یادشده اغلب به جای هم استفاده می‌شوند و در

معنایی وسیع، هر دو آن‌ها برای نفوذ بر تصمیم‌سازی له یا علیه یک موضوع خاص در تلاش هستند. با این حال در عمل، قلمرو لابی‌گری محدود است. لابی‌گری به تعاملات مستقیم با تصمیم‌سازان محدود می‌شود و لزوماً دیدگاه‌های حوزه‌های گسترده‌تر را بازتاب نمی‌دهد. لابی‌گری همچنین با ادعای رفتارهای فاسد و همکاری‌های غیرقانونی با قانون‌گذاران نیز در ارتباط است. در مقابل، حمایت، نوعی تلاش گروهی است که بر تغییر سیاست‌ها و قوانین عمومی خاص به شیوه‌ای باز، شفاف و اخلاقی متمرکز می‌شود. حمایت بسته به اینکه در کدام سطح محلی، منطقه‌ای یا ملی هدایت شود، بحثی است که به اساسی‌ترین حق دموکراتیک هر منطقه برای رساندن صدایش به فرایند تصمیم‌سازی مربوط می‌شود. حمایت شامل بسیج توده‌ها، ایجاد ائتلاف میان گروه‌های همفکر و رساندن پیام از طریق کمپین‌های گوناگون مربوط به آگاهی عمومی می‌باشد.

سیاست‌گذاری از دریافت بازخورد شفاف بخش خصوصی در زمان تصمیم‌گیری درخصوص اولویت‌ها برای فعالیت‌های تقنینی و همچنین اجرای قانون بسیار سود می‌برد. از آنجایی که کسب‌وکارها به شکل مستقیم تحت تأثیر بسیاری از قوانین و مقررات دولتی قرار می‌گیرند، بهترین موقعیت برای شناسایی نقایص قوانین موجود و اجرای آن‌ها و همچنین توصیه راه‌حل‌های سیاستی منسجم را دارند. قوانین انعکاس‌دهنده ورودی‌ها و ارجاع‌دهنده به دغدغه‌های ذی‌نفعان و به‌روشنی، تأثیرگذار بر آن‌ها، احتمالاً شانس بسیار بهتری برای اجرا در مقایسه با قوانینی دارند که بدون هیچ‌گونه رایزنی عمومی ایجاد شده است.

اقدام جمعی

مسائل پیچیده که به شکاف‌های اجرایی مانند فساد کمک می‌کنند، بیشتر از کسب‌وکارها یا سازمان‌های واحد می‌توانند به آن ضربه بزنند. بنابراین راه‌حل‌های موفق

نیازمند تلاشی جمعی در میان بسیاری از ذی‌نفعان مختلف است که متعهد به یک ایده محکم هستند. در این میان، تلاش‌های ضدفساد نمونه خوبی محسوب می‌شود. درحالی‌که در اصل، اکثر شرکت‌ها تمایل دارند تا قانون را اطاعت کنند و منافع فضای کسب و کار پاک را درک می‌کنند، اما در کشورهایی که فساد در آن گسترده است، انجام این کار مشکل می‌نماید. کسب‌وکارهای انفرادی از این می‌ترسند که اگر از انجام اقدامات فاسد اجتناب کنند و شرکت‌های دیگر از این مسئله پیروی نکنند، آن‌ها خود را در یک موقعیت رقابتی نامساوی قرار خواهند داد. تنها زمانی که شماری کافی از کسب و کارها، آشکارا متعهد به مبارزه با فساد بوده و بنگاه‌های بیشتر و بیشتری دارای انگیزه برای پیروی از قانون باشند، این مبارزه می‌تواند به راهنمایی جدید برای دنبال کردن تبدیل شود.

اقدام جمعی می‌تواند شامل ابتکارهایی مانند کمپین‌های ضدفساد، اتخاذ داوطلبانه رویه‌های مطلوب و استانداردهای کسب و کار یا قوانین رفتار تجاری اخلاقی باشد. این‌ها ابزارهایی هستند که کسب و کارهای سراسر جهان به شکلی موفقیت‌آمیز برای غلبه بر موقعیتی که جامعه تجاری مشارکت فعال و یا منفعل در مشکل شکاف اجرایی دارد، استفاده می‌شود.

۳) جامعه مدنی

سازمان‌های جامعه مدنی یکی از مهم‌ترین ذی‌نفعان در پرداختن به شکاف اجرایی هستند. زیرا آن‌ها پیوندهای اساسی بین جامعه و دولت‌اند. آن‌ها برای مشارکت شهروندان به سمت فرایند سیاست‌گذاری کانال می‌زنند و برای دولت اطلاعاتی درباره آنچه باید انجام شود را فراهم می‌آورند. آن‌ها همچنین اقدامات دولت را رصد می‌کنند، اطلاعات را به شهروندان باز می‌گردانند، به پاسخگو نگه داشتن مقامات کمک می‌کنند و آن‌ها را نسبت به نیازهای شهروندان، مسئول نگه می‌دارند. بنابراین جامعه مدنی این اطمینان را ایجاد می‌کند که منافع گروه‌های اجتماعی گوناگون در قوانین و اجرای آن‌ها بازتاب داده شده است.

سناریوهای احتمالی

جامعه مدنی اجازه فعالیت در کشور را ندارد

این بدترین سناریویی است که در کشورها اتفاق می‌افتد و ضمن آن اجازه تأسیس و کار آزاد به گروه‌های گوناگون جامعه مدنی داده نمی‌شود. جامعه مدنی باید بخش گریزن‌پذیر از چشم‌انداز اجتماعی هر کشور باشد زیرا نشان‌دهنده مجموعه‌ای متنوع از منافع حیاتی برای گفت‌وگوی سیاسی سالم و سیاست‌گذاری اثربخش است. بدون وجود آزادی برای بیان نظرات مختلف درمورد منافع گوناگون، دولت‌ها ممکن است تمایل نداشته باشند یا نتوانند به موضوعات مهم در جامعه یا اجرای راه‌حل‌های از پیش موجود که منجر به شکاف اجرایی می‌شود، بپردازند.

محدود بودن نقش جامعه مدنی

در این مورد جامعه مدنی مجاز به فعالیت اما براساس دستورالعمل‌های بسیار سخت است. از آنجایی که اساسی‌ترین ویژگی جامعه مدنی (یعنی آزادی تصمیم‌گیری درمورد

اینکه با کجا علاقه‌مند به برقراری ارتباط است) تضمین نشده است، برای جامعه مدنی ممکن نیست که به موضوع شکاف اجرایی حمله کند. این سناریوی معمول در بسیاری از کشورهای اقتدارگرا است، جایی که دولت‌ها به سازمان‌های جامعه مدنی برای عملکرد در عرصه‌های محدود مانند خدمات بشردوستانه (مراقبت‌های پزشکی رایگان، مسکن برای بی‌خانمان‌ها، آموزش یتیمان و سایر موارد) اجازه می‌دهند، اما فعالیت‌هایی مانند کار برای حکمرانی بهتر و ضدفساد به شدت ممنوع است.

راه دیگری که در آن دولت‌ها استقلال جامعه مدنی را محدود می‌کنند از طریق بسیار دشوار نمودن فرایند ثبت سازمان‌های جامعه مدنی و قرار دادن محدودیت‌های بی‌شمار بر انواع اعتباراتی است که این سازمان‌ها می‌توانند دریافت کنند. دولت‌های اقتدارگرا همچنین تا آنجا پیش می‌روند که بر انتصابات هیأت مدیره یا انتخاب مدیریت تأثیر بگذارند و اطمینان از نظارت دولت بر سازمان‌های گوناگون را تضمین و درعین حال سعی بر حفظ ظاهر جامعه مدنی در کشور خود نمایند.

ظرفیت و منابع مالی ناکافی

جامعه مدنی باید نیروی انسانی و ابزارهای مادی کافی برای عملیاتی شدن کامل را در اختیار داشته باشد. با این حال این مسئله اغلب یک چالش محسوب می‌شود. منابع انسانی ناکافی و فقدان منابع مالی می‌تواند مانعی غیرقابل پیش‌بینی در ارائه دستورکار جامعه مدنی به عموم و همچنین دستیابی به اهداف آن باشد. سازمان‌های جامعه مدنی که در بند فقدان ابزارهای ضروری برای عمل هستند، نمی‌توانند به طور مؤثر، نقش ابتدایی عمل خود به عنوان «نگهبان عمومی» را ایفا نمایند. این مسئله همچنین دارای دلالت‌هایی مستقیم درخصوص شکاف‌های اجرایی است به این معنی که اگر سازمان‌های جامعه مدنی تمرکزی بیش‌ازحد بر موضوع نیروی انسانی و ابزار مادی لازم برای بقاء داشته باشند، آنگاه جامعه مدنی تنها می‌تواند به صورت سطحی درگیر یافتن

راه حل های جدید تقنینی باشد، چه برسد به اینکه زمان و منابع کافی برای رصد اجرای قوانین را اختصاص دهد.

عدم تمرکز جامعه مدنی بر شکاف اجرایی

در این سناریو، جامعه مدنی کار خود را آزادانه انجام می دهد، اما ممکن است تمرکز آن ارتباطی به اجرای قوانین و مقررات موجود نداشته باشد. این مسئله، بزرگ ترین مانع برای تحقق دلیل وجودی آن قواعد و مقررات می باشد (برای مثال اگر قوانین مربوط پیش از این تصویب شده باشند) جامعه مدنی ممکن است به دلایل مختلف به اندازه کافی به موضوع شکاف اجرایی نپردازد. برای نمونه بسیاری از سازمان های جامعه مدنی به جای تمرکز بر اجرای قوانین خاص بر موضوعات اجتماعی گسترده مانند حمایت از مصرف کنندگان، خدمات عمومی بهتر و حمایت از حقوق بشر تمرکز می کنند. از منظری دیگر سازمان ها ممکن است علاقه مند به پرداختن به شکاف های اجرایی نباشند زیرا فرایند تقنینی و رویه های اجرایی که بر اجرای قانونی تأثیر می گذارند بیش از اندازه پیچیده هستند به گونه ای که نمی توان به آن حمله کرد.

با این همه، سازمان های جامعه مدنی باید در نظارت و حمایت از اجرای قوانین و مقررات مربوط به محدوده ی کاریشان درگیر شوند زیرا مانع واقعی برای تحقق ابتکارات و اهدافشان، اغلب در مرحله اجرا قرار دارد. بنابراین نفع حیاتی جامعه مدنی در این است که فعالانه درمورد موضوع شکاف اجرایی کار کند و از طریق گسترده ی وسیع فعالیت هایش بتواند در کوچک کردن و پرکردن بسیاری از این دست شکاف ها همکاری نماید.

درگیر شدن فعالانه جامعه مدنی در شکاف اجرایی

در حالت آرمانی، دولت یک متحد طبیعی در جامعه مدنی در کشور پیدا خواهد کرد. به شرحی که گذشت، گروه ها و افرادی که به دلایل گوناگون به وجود آمده اند، سودبران

طبیعی از پرکردن شکاف اجرایی هستند. با این حال اشاره به این مطلب حائز اهمیت است که جامعه مدنی یک وجود همگن نیست و اهداف گروه‌های مختلف ممکن است با یکدیگر بسیار متفاوت باشد. این مسئله به نوبه خود می‌تواند بر شکاف اجرایی تأثیر بگذارد. به عنوان مثال تمرکز گروه‌های مختلف جامعه مدنی می‌تواند بر بخش‌هایی از یک اصلاح فراگیر درمورد موضوعی مهم مانند وضع مالیات‌ها متمرکز شود که در آن عناصر مورد حمایت به وسیله برخی سازمان‌ها ممکن است به شدت به وسیله دیگر سازمان‌ها مورد مخالفت قرار گیرد. در نتیجه حتی اگر اکثر ذی‌نفعان موافقت کنند که اصلاحات فراگیر مورد نیاز است، اجرای آن با بن‌بست مواجه می‌شود.

راه‌های ممکن برای جامعه مدنی در پرداختن به شکاف اجرایی

جامعه مدنی باید نقش فعالی را در پرداختن به مسئله شکاف اجرایی بازی کند. قوانین مختلفی که به عنوان نتیجه تلاش‌های جامعه مدنی به تصویب می‌رسند، تنها زمانی معنی می‌دهد که اجرا شده باشد و هر گروهی از جامعه مدنی باید بر اجرای مقررات مربوط به حوزه تمرکز خودشان تأکید کنند. تنها اجرای موفق قوانین است که حفاظت مناسب از منافع آن‌ها را تضمین خواهد کرد. جامعه مدنی از طریق درگیر شدن در کمپین‌های حمایتی، باهدف بازکردن فضای بحث عمومی پیرامون برخی موضوعات خاص، آغاز نمودن گفت‌وگو با دولت و همراهی با دیگر ذی‌نفعان اجتماعی و سازمان‌های همفکر داخلی و بین‌المللی می‌تواند این هدف را به پیش براند. گروه‌های جامعه مدنی از طریق تشکیل این مشارکت‌ها توانایی تبدیل شدن به صدایی مهم در موضوعات سیاستی و مشارکت در فرایند تصمیم‌سازی مرتبط با آن‌ها را دارند.

همکاری با دولت

دست آخر، این دولت است که مقررات جدید را تصویب و آن‌ها را اجرا می‌کند. بنابراین به نفع سازمان‌های جامعه مدنی است که همکاری نزدیکی با دولت‌ها داشته باشند تا اندیشه‌هایشان که در هنجارهای جدید نهفته، تضمین شود. درحالی‌که این مسئله می‌تواند به‌ویژه در کشورهایی که دولت نگاه مناسبی به سازمان‌های جامعه مدنی ندارد، فرایندی بسیار سنگین باشد. به راه انداختن گفت‌وگویی سازنده با دولت، گامی اساسی برای منافع اجتماعی مختلف مترتب بر اجرای قانون است. چنین گفت‌وگویی می‌تواند از طریق روش‌های متفاوتی انجام شود. این روش‌ها شامل مشارکت جامعه مدنی در جلسات عمومی درمورد موضوعات تقنینی خاص و اجرای آن‌ها، مشارکت در گروه‌های کاری که گاهی دولت‌ها برای رایزنی درمورد اجرای سیاست‌ها یا کمپین‌های حمایتی گوناگونی است که به منظور جلب توجه تصمیم‌سازان درخصوص مسائل غامض اجرا و فشار آوردن برای اقدام ایجاد می‌شود.

همکاری با بخش خصوصی

اگرچه نقش و اهداف جامعه مدنی و بخش خصوصی گاهی در برخی موضوعات خاص با یکدیگر در تعارض قرار می‌گیرند اما هنگامی که برای حکمرانی خوب و اجرای قوانین مطرح می‌شوند، هر دو از پرکردن شکاف اجرایی سود می‌برند. به خاطر سپردن این نکته نیز مهم است که انجمن‌های تجاری، اتاق‌های بازرگانی مستقل و دیگر سازمان‌های متمرکز بخش خصوصی مانند اتاق‌های فکر اقتصادی، بخشی از جامعه مدنی هستند و به‌ویژه زمانی که قوانین حیاتی بر وضعیت‌های کارآفرینی تأثیر می‌گذارند، می‌توانند در پرکردن شکاف اجرایی کمک نمایند. دیگر حوزه‌های اجرای قانون از قوانین مربوط به مبارزه با فساد تا مقرراتی که ارائه خدمات عمومی را تقویت می‌کنند نیز برای بخش خصوصی مهم است زیرا آن‌ها فضای کسب و کار مساعد را

فراهم می‌آورند. بنابراین جامعه مدنی و بخش خصوصی هر دو دلایلی قوی برای همکاری دارند.

این گونه همکاری‌ها می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد. سازمان‌های تجاری قادرند از طریق همکاری با دیگر سازمان‌های جامعه مدنی، ائتلاف‌های گسترده‌ای را برای تمرکز بر موضوعات دوجانبه موردعلاقه ایجاد نمایند. بخش خصوصی نیز می‌تواند به‌عنوان یک منبع مهم اطلاعات برای سازمان‌های جامعه مدنی (و یک منبع کلیدی برای سازمان‌های تحقیق‌محور) در حالت اجرای قوانین و مقررات گوناگونی که بر اقتصاد کشور و چشم‌انداز توسعه تأثیر می‌گذارند، به کار گرفته شوند. سرانجام، کسب‌وکارها می‌توانند منبع مهمی برای تأمین مالی سازمان‌های جامعه مدنی باشند، زیرا چنین مشارکت‌هایی شفاف‌اند و از مأموریت سازمان حمایت می‌کنند تا استقلال افراد را وجه‌المصالحه قرار ندهند.

چارچوبی برای حمله به شکاف اجرایی

برای پرداختن مؤثر به شکاف‌های اجرایی و بهبود حکمرانی دموکراتیک و اقتصادی، انجمن‌های تجاری و دیگر سازمان‌های جامعه مدنی ابتدا نه‌تنها باید درباره وضعیت اجرای قوانین و مقررات خاص، بلکه درمورد نهادهای اساسی که ممکن است باعث اجرای آن شوند نیز به تحلیل بپردازند. شاخص‌ها و رتبه‌بندی حکمرانی بین‌المللی می‌تواند نقطه عزیمت مفیدی باشد. تبدیل این آگاهی به یک برنامه عملی نیازمند گام‌های کلیدی زیر است:

۱. پرسیدن سؤال‌های درست: چرا کارها به شیوه‌ای که انجام می‌شوند، انجام می‌شوند؟ مؤسسات و انگیزه‌هایی که مانع اجرای قوانین خاص می‌شوند چه هستند؟ ارزیابی‌های سازمان‌دستکاری جهانی الگویی سودمند برای سازمان‌دهی چنین پرسش‌هایی را از طریق طبقه‌بندی و ایجاد تمایز میان قوانین در کتاب‌ها و همچنین میدان عمل فراهم می‌آورد.

ارائه پاسخ‌های به‌خوبی تحقیق شده به سؤالات پیچیده و دقیق، حمایت‌های مردمی را به عنوان ابزاری مهم برای اثربخشی پیام‌هایشان آن هم زمانی که تقاضای اصلاح وجود دارد، به دنبال می‌آورد. حامیان می‌توانند، به‌جای صرف انتقاد از ناتوانی دولت در اجرای قانون، از این پاسخ‌ها برای مشخص کردن اصلاحات خاص و قابل اجرا به جای انتقاد عمومی استفاده کنند که احتمالاً به‌وسیله دولت تقویت می‌شود.

۲. مشارکت ذی‌نفعان: برای اینکه هر ابتکار اصلاحی دارای وجهه و حمایتی محلی و معنادار باشد، لازم است تا تمام گروه‌ها به شکل مشترک درمورد مشکلات شکاف اجرایی که بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد، بحث و گفت‌وگو کنند.

۳. اولویت‌بندی: همه‌چیز یک‌باره به انجام نمی‌رسد. برای اثربخش بودن، فشار برای اصلاحات باید بر انتخاب موضوعات دارای بیشترین اهمیت متمرکز باشد.

۴. برنامه‌ریزی راهبردی: برای اطمینان از اینکه اهداف اصلاحات قابل دستیابی و معنادار باشند، اصلاح‌طلبان باید مدل اساسی منطقی خود را در نظر بگیرند.

نتایج بلندمدت $\Rightarrow$ نتایج کوتاه‌مدت $\Rightarrow$ خروجی‌ها $\Rightarrow$ فعالیت‌ها $\Rightarrow$ ورودی‌ها

۵. بسیج مناطق [مناطق کشور]: شناسایی شرکا و متحدان برای رسیدن به موفقیت، حیاتی است زیرا شکاف‌های اجرایی اغلب محصول فعالیت‌ها یا نفوذهای پنهانی هستند که نیازمند صدای بلند یک ائتلاف گسترده برای تأثیرگذاری بر تغییر می‌باشند.

شراکت با دیگر سازمان‌های جامعه مدنی

عدد، قدرت آفرین است. هرچه سازمان‌های همفکر که به یک دلیل مشترک با یکدیگر کار کنند، بیشتر باشند، میزان اثربخشی این تلاش‌ها بیشتر خواهد بود. چنین تلاش‌های مشترکی، ممکن است تنها شامل گروه‌های جامعه مدنی داخلی یا بخشی از

یک ابتکار بین‌المللی بزرگ‌تر در حمایت از اجرای تعهدات کشور به اصولی خاص مانند اجرای قوانین کار یا شفافیت در نیازمندی‌های عمومی باشد. در عصر گسترش نفوذ اینترنت و افزایش محبوبیت رسانه‌های اجتماعی، شکل‌گیری چنین مشارکتی ساده‌تر از قبل است زیرا باعث ارتباط سازمان‌هایی می‌شود که در غیر این صورت هرگز همدیگر را نمی‌شناختند. علاوه بر این، همکاری با سازمان‌های بزرگ‌تر و باتجربه‌تر می‌تواند به سازمان‌های کوچک‌تر و جدیدتر برای شناخت گسترده و بهبود مهارت‌های حمایتی آن‌ها کمک کند.

مشارکت با رسانه‌ها

برای جامعه مدنی بسیار مهم است که بتواند برنامه‌ها و اهداف خود را به شکلی اثربخش به عموم ارائه دهد. این مسئله با همکاری رسانه‌های آزاد به بهترین شکل انجام می‌شود. متأسفانه آزادی رسانه‌ها به یک اندازه در سراسر جهان تضمین نمی‌شود. با این حال، این مسئله به نفع جامعه مدنی است تا از آنچه در دسترس است برای ارتقای برنامه‌ها و اهداف استفاده نماید. رسانه‌ها در زندگی روزمره مردم حضور دارند و می‌توانند به شکلی مهم برای شفاف‌تر نمودن تلاش‌ها و اهداف جامعه مدنی کمک کنند. این مسئله همچنین برای مبارزه با شکاف اجرایی خواه از طریق تأکید بر وجود آن در رسانه‌ها یا به شکل غیرمستقیم از طریق پرسش درمورد عدم اثربخشی اصلاحاتی که قرار بود اجرا شود، استفاده می‌گردد.

جمع‌بندی: مزایای پرکردن شکاف اجرایی

چنان‌که تجربه کشورها نشان می‌دهد، اگر شکاف اجرایی در حوزه‌های کلیدی سیاستی، کوچک گردد و اصطلاحاً پر شود، مزایای آشکاری برای کل جامعه دارد. کوچک کردن و از بین بردن شکاف اجرایی، اصلاحات اجتماعی و سیاسی را ممکن می‌سازد. این اصلاحات ممکن است چشم‌انداز کوچکی داشته باشد. اما اگر به درستی اجرا شود، می‌تواند به عنوان پایه‌هایی برای اصلاحات فراگیرتر در آینده به کار گرفته شود. اگر روشی که قوانین، تصویب و اجرا شده است، روشن و معنی‌دار باشد - و هنگامی که عموم ببیند که قوانین قطعاً اجرا می‌شوند - انجام چنین اصلاحاتی ضروری، آسان‌تر خواهد بود.

به یاد داشتن این نکته مهم است که فقدان اجرا اغلب با ناهماهنگی نهادها و انگیزه‌هایی که مانع پیگیری مناسب از طریق قانون‌گذاری هستند، مواجه است. با این حال، اگر سه ذی‌نفع عمده اجتماعی یعنی دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی بر ساختار انگیزشی متضاد غلبه کنند و تلاشی هماهنگ برای به جلو راندن اجرای اصلاحات کلیدی انجام دهند، از منافع قابل توجهی برخوردار خواهند بود.

اگر دولت به وعده‌هایش عمل کند احتمال بیشتری وجود دارد که مردم به او اعتماد کرده و دوباره او را انتخاب نمایند. اما حتی در کشورهای غیردموکراتیک، دولت‌ها تحت فشار افکار عمومی قرار می‌گیرند و در برخی موارد، این مسئله حتی بیشتر است زیرا ناخشنودی‌های عمومی با شکاف اجرایی پایدار در غیاب روزنه‌های دموکراتیک برای گفت‌وگو، می‌تواند به ناآرامی‌های اجتماعی منجر شود. اجرای قانون و انجام اصلاحات، فرایندی دشوار است، اما اگر دولت‌ها به شکل جدی متعهد به غلبه بر شکاف اجرایی شوند، شهروندان نیز نسبت به درک و حمایت از اصلاحات تمایل بیشتری نشان خواهند داد.

بخش خصوصی به شکلی ویژه در پی آن است تا از کاهش شکاف اجرایی سود ببرد. درست مانند بخش‌های دیگر جامعه، برای کسب و کارها مهم است که بتواند به نظام حقوقی که برای تنظیم فعالیت‌های خود طراحی شده اعتماد کند. یک نظام حقوقی که امنیت قانونی کافی را فراهم نیاورد، محیط مناسبی برای انجام تجارت نیست زیرا بخش خصوصی با حقوق و وظایف مبهم و غیرقابل اجرا رها می‌شود. در اغلب موارد، وجود یک نظام حقوقی که به شکل ضعیف مدیریت شده، به معنی وجود شکاف اجرایی است.

زمانی که قوانین و مقررات کسب و کارها را دشوار می‌کند، چشم‌اندازهای توسعه کشورها دستخوش سختی می‌شود. یک مشکل فشارزا، زمانی اتفاق می‌افتد که قوانین در لابه‌لای اوراق کتاب‌ها در نقش دوستدار کسب و کار جلوه می‌کنند اما در عمل، غیراجرایی باقی می‌مانند و این مسئله، فرصت‌هایی را برای فساد و درجه‌ای از غیرقابل پیش‌بینی بودن فراهم می‌آورد و کارآفرینی و سرمایه‌گذاری را مشکل می‌سازد. بسیاری از صاحبان کسب و کارها برآنند که بهتر است در مکان‌هایی عمل کنند که اگرچه قوانین و مقررات احتمالاً از دیدگاه آن‌ها در حالت بهینه قرار ندارد، (به عنوان مثال، از نظر رویه‌های ثبت نام، روش‌ها یا سطوح مالیات‌بندی) اما به صورت منسجم اجرا می‌شود و قابل پیش‌بینی نیز هستند تا اینکه در جایی کار کنند که چارچوب قانونی درست به نظر می‌رسد اما مطابق با تجربه عملی صاحبان کسب و کار نیست.

از دیگر مزایای غلبه بر شکاف اجرایی این است که امکان کاهش اعضای بنگاه شرکت‌کننده در اقتصاد غیررسمی وجود داشته باشد. اگر الزامات قانونی برای کسب و کارها ساده باشد، برای بنگاه‌ها آسان خواهد بود که به شکل رسمی ثبت نام کنند و فعالیت‌های خود را تحت حمایت قانون انجام دهند. هم‌زمان، رسمیت بخشیدن به کسب و کار برای جامعه در کلیت آن خوب است زیرا این بنگاه‌ها به نهادهای پرداخت‌کننده مالیات تبدیل می‌شوند.

به همین ترتیب اگر شکاف اجرایی کوچک نشود و از بین نرود به کمک قوانین تنظیم‌کننده فعالیت‌ها می‌توان رضایت بیشتر کارگران، بهره‌وری بیشتر و خدمات و کالای بهتر را تضمین نمود.

بنابراین، از بین بردن شکاف‌های اجرایی به شکل مستقیم برای هر دو گروه صاحبان کسب‌وکار و کارکنان آن‌ها و به‌طور غیرمستقیم برای مصرف‌کنندگان آن‌ها مزایایی به همراه دارد و فرصت‌های بیشتری را برای همه خلق می‌کند.

پرداختن به مشکل شکاف اجرایی برای جامعه مدنی نیز اهمیتی حیاتی دارد. برای برخی گروه‌ها کوچک کردن و از میان برداشتن شکاف‌های اجرایی در حوزه‌های خاص مانند قوانینی که مسئولیت‌پذیری مقامات عمومی یا دسترسی به اطلاعات را تضمین می‌کنند، ممکن است تمرکز اولیه کار آن‌ها باشد. اگر در این حوزه‌ها شکاف اجرایی کوچک شده یا از بین رفته باشد، افراد می‌توانند به شکلی اثربخش بر دیگر موضوعات مثلاً شفافیت بیشتر بودجه یا راه‌حل‌های جدید سیاستی متمرکز شوند، بدون ترس از اینکه تلاش‌های آن‌ها به‌وسیله اجرای ناکافی تخریب شود.

اگر این اطمینان وجود داشته باشد که قوانین تصویب شده به واقع اجرا خواهند شد، آنگاه انرژی جامعه مدنی به شکلی بهتر در مرکز فعالیت‌هایش صرف می‌شود، بدون این نگرانی که تلاش‌هایش، حتی اگر به قانون هم عمل شود، عملاً معنادار نخواهد بود.

این مسئله همچنین می‌تواند به بروز تنوع بیشتر در میان گروه‌های مختلف جامعه مدنی منجر شود که خود به تمرکز بیشتر بر موضوعات متنوع منتهی می‌شود و برای جامعه از طریق طرح پرسش‌های گسترده از موضوعات اجتماعی مهم منفعت دارد.

این منافع برای هر جامعه تا آن اندازه مفید است که دیگر به مسئله شکاف اجرایی نپردازد. اراده سیاسی، درگیر شدن سازنده بخش خصوصی و نقش فعال جامعه مدنی برای غلبه بر این چالش ضروری است.

هیچ دستورالعمل واحدی برای چگونگی نزدیک شدن به شکاف اجرایی که بر یک قانون خاص در کشور مورد نظر تأثیر می‌گذارد، وجود ندارد. اما قطعاً برخی راه‌حل‌های آزمون شده و اقدامات خوبی که در اینجا برجسته شده، می‌تواند در دستیابی به این هدف کمک کند.

گزشت پیش

مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اسلامی و مبارزه با اعتیاد

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، تقاطع سپید قرنی
ساوومان پاؤرسی کل کشر، طبله ششم

شماره تماس: ۶۱۶۶۱۶۶۰۷

نشانی الکترونیک: bazrasi.research@136.ir

www.bazresi.ir